

بازگشت بنامه شماره ۷۷۹۱ مورخ ۱۰ / ۷ / ۷۲ به اطلاع میرساند
 ۱- مبلغ ۸۹۸۲۰ ریال بعنوان مقرری ماهانه برای ~~.....~~ ^{۳۴}
 از تاریخ ۳ / ۴ / ۷۲ برقرار گردیده حداکثر مدت استحقاق دریافت مقرری پیمه بیکاری
 هجده ماه میباشد.
 ۲- به علت پیمه بیکاری برای ^{خانم} ~~.....~~
 نام و نام خانوادگی رئیس ^{خانم} ~~.....~~ ^{۳۴} موافقت شد.

نام و نام خانوادگی رئیس ^{خانم} ~~.....~~ ^{۳۴}

ارباب رجوع در میان چرخ دنده‌های کاغذی

- برای چه؟

- برای این که من حداقل هشت سال هم سابقه بیمه در یک مؤسسه دیگر دارم که به شعبه ۲۱ مربوط می‌شود. این سابقه به سال‌های ۵۳ تا ۵۹ مربوط می‌شود. این هم دفترچه بیمه من که نشان می‌دهد در این سال‌ها بیمه بوده‌ام. ولی در پرونده اثری، سابقه‌ی، مدرکی، وجود ندارد!

- خُب تکلیف چیست؟

- هیچی! ما براساس همین سابقه موجود آن حداقل مستمیری را برقرار می‌کنیم، شما هم در این مدت دنبال سابقه‌ات در شعبات ۱۹ و ۲۱ باش.

- عیبی ندارد... خسته شده‌ام... هر کار شما بفرمایید انجام می‌دهم.
 - پس برو طبقه بالا به خانم «ح» بگو سابقه آخرین لیست آخرین شرکتی را که کار می‌کردی، و حق بیمه می‌پرداختی برای من بفرستد.

آقای «ح» به طبقه بالا و سراغ خانم «ح» می‌رود. خانم «ح» پرونده‌ی را بیرون می‌کشد و پس از ورق‌زدن آن می‌گوید:
 - دهه! ... این‌ها هم یک سال حق بیمه نپرداخته‌اند!

آقای «ح» می‌گوید: خانم عزیز، اگر خاطر شریفتان باشد من اول امسال، وقتی که برای تمدید تاریخ اعتبار دفترچه بیمه‌ام آمده بودم، خدمتتان عرض کردم شرکت لیست بیمه‌های ما را نفرستاده و تقاضا کردم لیست‌ها را از آن‌ها بخواهید.

- آها... یادم آمد... ولی ما با تراکم کار رو به رو هستیم، مأمور هم کم داریم...

خون در رگ‌های آقای «ح» به جوش می‌آید. می‌خواهد فریاد بزند که: «خیلی هایتان از اول تا آخر وقت اداری ول می‌گردید، آن وقت می‌گویید تراکم کار دارید؟! اما خشم خود را فری می‌خورد و می‌پرسد:

- تکلیف من چیست؟ چکار کنم؟

- هیچی آقا جان! صبر کن... تراکم کار داریم... یکی دو ماه بعد می‌فرستیم باررسی و...
 آقای «ح» صبر نمی‌کند بقیه حرف‌های این

به دست آقای «ح» داده شود. گو این که تازمان چاپ مجله هنوز او موفق به دریافت دیناری از حقوق خود نشده بود!

● مدرک شماره ۶: همراهی یک کارمند دلسوز شعبه ۹ موجب شد که لااقل این موافقت نیم‌بند

یا نه؟ به هر حال آقای «ح» علی‌رغم ماهها دوندگی هنوز دیناری مقرری دریافت نکرده بود و برای درمان خود و خانواده‌اش هم مجبور بود به پزشکان آزاد مراجعه کند و وجه نسخه‌ها و دارو را از جیب بپردازد.

۲- آقای «ح» برای گرفتن سوابق بیمه خود در دهه به ۵۰ شعبه ۲۱ تأمین اجتماعی مراجعه کرده است. در آن جا به او گفته‌اند: باید بروی و سوابقت را از مؤسسه‌ی که آن سال‌ها در خدمتش بوده‌ای بگیری و بیاوری تا اقدام کنیم. آقای «ح» به آن مؤسسه مراجعه کرده و سوابقتش را خواسته است، آن‌ها هم گفته‌اند: حالا برو، چند روز دیگر بیا تا ببینیم چه می‌شود؟

۳- آقای «ح» منتظر است چند ماهی بگذرد تا مجدداً به شعبه ۱۹ مراجعه کند تا شاید ان‌شاءالله... گوش شیطان کر... آن مراحل و سلسله مراتبی که برایش شرح داده‌اند (حسابرسی، ابلاغ قانونی و...) طی شده باشد و تأییدیه سوابق پرداخت حق بیمه خود را بگیرد.

بنابراین آقای «ح» حالا حالاها باید در بین چرخ‌دنده‌های ماشین عظیم کاغذبازی دست و پا بزند.

آقای «ح» تنها کسی نیست که در مراجعه به سازمان تأمین اجتماعی با این ناملازمات رو به رو شده است. در سراسر کشور خیل عظیم بیمه‌شدگان با مشکلاتی از این قبیل و یا مشابه آن دست به گریبان هستند. چرا؟

جواب این چرا را باید متخصصین علوم اداری و مدیریتی بدهند. آن‌ها باید بگویند آیا این مقررات است که وضع سازمانهای ما را به این جا کشانده، یا مجریان این مقررات و یا هر دو؟

وقتی جواب این پرسش مشخص شد، آن وقت زمان آن می‌رسد که اصلاحات آغاز شود. اصلاحات واقعی در سیستم و نظام اداری ما...

خانم را بشنود. یک راست می‌رود به دفتر خانم «ام» و مذاکره را شرح می‌دهد. خانم «ام» ناراحت می‌شود و اظهار تأسف می‌کند. از نظر آقای «ح» او تنها کارمندی است که می‌کوشد به او و دیگر ارباب‌رجوع کمک کند و محدودیت‌های قانونی و مقررات را به رخشان نکشد...

خانم «ام» گوشی را بر می‌دارد و با خانم «ح» صحبت می‌کند.
 - عزیزدلم... لطف کن و پرونده شرکت... را به جریان بینداز. محبتی کن تا یک هفته دیگر وضع آقای «ح» که کارمند آن شرکت بود، مشخص شود. سابقه ایشان را تا زمانی که از لحاظ بازرسی تأیید شده استخراج کن و به خانم «ع» بده...

بدین ترتیب آقای «ح» یک هفته دیگر هم معطل شد. بعد از این مدت، و طی مراحل متعدد و آزاردهنده‌ی که شرح آن ملال‌آور است سرانجام روز ۷۲/۷/۳۰ مسئولین شعبه ۹ موافقت کردند برای وی یک مقرری علی‌الحساب برقرار کنند. منتهی می‌باید این موافقت مورد تأیید اداره کار و خدمات اشتغال شماره ۲ تهران نیز قرار گیرد. (مدرک شماره ۶) ناچار روز بعد آقای «ح» فرم موافقت شعبه ۹ سازمان تأمین اجتماعی را به اداره کار و خدمات تسلیم کرد. مسئولین این اداره فرم را گرفتند و گفتند: برو روز ۸/۲۰ مراجعه کن و جواب بگیر...

روز ۷۲/۸/۱۶ که تهیه این گزارش خاتمه یافت وضع و موقعیت آقای «ح» از این قرار بود:

۱- ۵ روز دیگر که وی به اداره کار و خدمات اشتغال مراجعه کند معلوم نیست جواب مربوطه را دریافت خواهد کرد یا نه؟ اگر هم شانس بیاورد و جواب حاضر باشد، باز معلوم نیست در شعبه ۹ سازمان تأمین اجتماعی با مشکل دیگری مواجه خواهد شد